

دیوان حیران

(پردہ)

به کوشش : احمد کرمی

حیران یزدی، غلامرضا بن اسماعیل، قرن ۱۳ ق
[دیوان]

دیوان حیران یزدی / به اهتمام احمد کرمی. --- تهران: ما، ۱۳۸۴.
۴۴۵ ص.

ISBN 964-5510-88-0 ریال: ۵۰۰۰۰

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.

۱. شعر فارسی -- قرن ۱۳ ق. الف. کرمی، احمد، ۱۳۰۳ - ، مصحح.

ب. عنوان.

۸۶۱ / ۵

PIR ۶۹۹۹/۵۹

۱۳۸۴

کتابخانه ملی ایران

۸۴-۴۰۸۵۵ م



نام کتاب: دیوان حیران یزدی

به اهتمام: احمد کرمی

چاپ اول: ۱۳۸۵

شمارگان: ۱۰۰۰

چاپ و صحافی: مهدی

شابک: ۹۶۹-۵۵۱۰-۸۸-۰

انتشارات (ما) تهران تلفن: ۶۶۹۲۳۳۷۹

پیشگفتار

تاکنون متجاوز از پانزده شاعر با تخلص «حیران» معرفی شده‌اند که از آنان چهار نفرشان از مردم یزد به نام‌های حاجی سید مرتضی و غلامحسین و میرزا محمد علی مدرس که در تاریخ ۱۲۶۰ ق. وفات یافته و ملا غلامرضا صاحب این دیوان می‌باشند. تاریخ تولد این شاعر را می‌توان از تاریخ تولد دخترش حساب کرد که در صفحه آخر این کتاب نوشته شده، لیکن تاریخ وفاتش به دست نیامد. شرح حال او را چنین نوشته‌اند:

۱- تذکره شبستان تألیف محمد علی مدرسی به کوشش آقای علی اکبر قلمسیاه.

از شاعران معروف این ولا و بلب طبعش در اقسام نظم دستانسرا. اسم شریفش ملا غلامرضا خلف مرحوم ملا اسماعیل کفاش که مردی مستقیم در جاده معاد و معاش بود. مشارالیه نظر به استعداد فطری از کسب والد ماجد اجتناب و در سلک طلاب سعادت انتساب. همواره کمالات صوری و معنوی را در اکتساب است. مدت‌العمر در مصالای صفدر خان به سر برده و با ارباب علوم و اصحاب ادب و رسوم طریق مجالست سپرده و در سلک طلاب علوم و اصلح صلحای این مرز و بوم است. شب و روز بنا شعرا و ظرفا طریق مصاحبت

می‌پیماید و به صیقل محبت زنگ اندوه و ملال از آینه خاطر همگنان می‌زداید. خط نسخ را نیکو می‌نگارد و طریق تحریر آن را به سرعت می‌سپارد. غالباً مشغول به شغل کتابت و امر معیشت خود را از استغنائی به آن در کفایت است. مجملأ جوانی است محترم و وجودش مغتنم و در عالم اهلیت نظیرش بسیار کم. اشعار روان در قصیده و مثنوی دارد که غالب آنها مناسب دیوان است.

۲- در تذکره می‌کده تألیف محمد علی وامق یزدی. به کوشش آقای حسین مسرت و سرمایه بنیاد فرهنگی و پژوهشی ریحانة الرسول. درباره این شاعر همان نوشته‌های تذکره شبستان تکرار شده است.

۳- در تذکره حقیقة الشعرا تألیف دیوان بیگی نیز مطالبی نوشته شده که چیزی افزون‌تر از تذکره شبستان ندارد.

۴- در تذکره شعرای یزد تألیف آقای عباس فتوحی صفحه ۱۴۹ نیز شرحی نوشته شده است که می‌توان به آن رجوع نمود.

یکی از شعرای مورد توجه میرزا محمد علی مدرّس است که قبل از ملا غلامرضا وفات یافته است.

ملا غلامرضا تا چندی بعد از آن در قید حیات بوده است.

دیوان‌هایی که از این شاعر وجود دارد و همگی به خط شاعر است به شرح زیر است:

- ۱- نسخه جامع کبیر یزد، ۲- نسخه کتابخانه مجلس، ۳- نسخه کتابخانه دانشگاه تهران، ۴- نسخه کتابخانه ملی ملک، ۵- نسخه کتابخانه شخصی آقای

دکتر مجاهد، عر نسخه کتابخانه شخصی آقای سید محمد جزایری با توضیح زیر:

در یکی از روزهای مرداد ماه ۱۳۸۱ شمسی توسط فردی که در کار معاملات نسخه‌های خطی بود دیوان ملا غلامرضای یزدی متخلص به «حیران» را برای خرید به حقیر عرضه نمود. این نسخه بسیار تمیز و به خط خود شاعر است. چون قیمت آن به نسبت گران بود وجود این نسخه را به آقای سید محمد جزایری که در کار جمع‌آوری نسخ خطی می‌باشند و با حقیر هم دوستی دارند اطلاع دادم و ایشان این نسخه را خریداری نمودند.

حقیر در عوض معرفی این کتاب، از ایشان خوانستم که برای چاپ این کتاب یک فتوکپی از آن را داشته باشم و ایشان هم موافقت فرمودند.

فتوکپی این نسخه را به جناب آقای ایرج افشار که همیشه در کار چاپ دیوان‌های شعر مرا تشویق و یاری می‌فرمایند نشان دادم.

ایشان چاپ این دیوان را امر فرمودند و دستور دادند به همان صورت که به سلیقه خود شاعر تنظیم یافته برای چاپ آماده شود و قرار شد پس از آماده شدن آن را ملاحظه فرمایند و مقدمه‌ای هم بر آن بنویسند.

متأسفانه با پیش آمدهایی که برای ایشان رخ داد دیگر احوال و هوای این کار را نداشتند. بدین جهت کار چاپ چندی به تأخیر افتاد.

در این فاصله از نسخه دوست عزیزم جناب آقای دکتر احمد مجاهد استفاده شد و همچنین استاد و شاعر گرامی جناب آقای دکتر عباس کی‌منش (مشکان) تصویر نسخه کتابخانه دانشگاه تهران را که برای خود تهیه نموده بودند با محبت

و بزرگواری در اختیارم قرار دادند که طبعاً اساس نسخه اول به هم ریخته شد. لازم است خوانندگان عزیز بدانند اشعاری هم که مناسب تشخیص داده نشد حذف گردیده است.

حقیر بر آن نیستم که کاری مطلوب انجام داده‌ام. یقین است هر کتابی در چاپ اول ممکن است نواقصی داشته باشد که بعدها به وسیله صاحب نظران رفع نقص خواهد شد.

امید است در آینده دیگران در کار کمال این دیوان بکوشند. از خداوند متعال توفیق آنان را مسئلت دارم.

از دارندگان این کتاب خواهم نمودم حوصله به خرج داده و مطالب زیر را مطالعه فرمایند.

حقیر از بد حادثه به کار چاپ کتاب روی آوردم و چون به شعر علاقه داشتم در این کار سرمایه گذاری کردم و از هیچ کس هم کمک مالی نگرفتم و تا حد امکان در این کار کوشیدم.

شروع کارم از دفتر تالار کتاب به مدیریت روان شاد استاد محمود منشی کاشانی بود.

در آن مکان بیشتر بزرگان ادب جمع می شدند. یکی از روزها زنده یاد حاجی حسین لاهوتی - (صفا) که از کارها و مشکلاتم اطلاع داشت - و با هم دوستی و مجالست داشتیم - برای دلگرمی و تشویق حقیر داستانی برایم تعریف کرد. بدین گونه:

«زمانی که نمرود آتشی به پا کرد تا حضرت ابراهیم خلیل را بسوزاند هر یک

از جنبندگان برای خاموش کردن آتش در حد توانشان فعالیت می‌کردند از آن جمله فیلان، خرطوم‌های خود را پر از آب می‌کردند و در آتش می‌ریختند. در این میان زنبوران عسل هم با خرطوم خود آب می‌آوردند تا آتش را خاموش کنند. سرکرده فیلان به یکی از زنبوران گفت شما را به حساب نمی‌توان آورد. آن زنبور در جواب گفت هر کدام از ما به قدر توانمان خدمت می‌کنیم و شما هم بیش از توانتان کاری انجام نمی‌دهید. آنان به گفته هم قانع نشدند. قرار شد که از خلیل‌الله داوری بخواهند. سرکرده فیلان به آن حضرت رجوع و کسب نظر کرد. آن حضرت فرمود کار زنبوران از کار شما بالاتر است. زیرا شما دارای پوست کلفتی هستید که آتش کمتر به شما سرایت می‌کند. لیکن زنبوران علاوه بر ظرافت جسم، بال و پر هم دارند که آتش، دشمن آن است. باید از آن زنبور عذرخواهی کنی. فیل چون به سراغ زنبور آمد دید زنبور آخرین نفس را می‌کشد او با نگاه به آن فیل فهماند که رسم خدمت گذشتن از هستی است یعنی تا شهادت».

روانش شاد باد که تخلص صفا را بحق برگزیده بود و گفت بیا موضوع فیل و زنبور را رها کنیم و به روزگار خود بیندیشیم و گفت آنان که از اصل و نسب پاک بهره دارند کار دیگران را محترم می‌شمارند. لیکن افرادی که از اصل و نسب خوب بی‌بهره هستند با کسب عناوین مختلف و غصب حق دیگران می‌خواهند خود را بزرگ جلوه دهند. البته چنین افرادی در جامعه ما بسیار نادرند و بهتر است درباره آنها فکر نکنیم، چون دورانشان به سر خواهد رسید. باز هم تکرار می‌کنم یادش و روان باصفایش گرامی باد.

در خاتمه چند مطلب را متذکر می‌شوم. امکان این وجود دارد که هنوز تمام نسخه‌های این دیوان شناخته نشده باشد. دیگر اینکه در این کتاب اختلاف اشعار زیاد وجود دارد یعنی «غث و ثمین» و این شاعر زیاد در بند تکرار قافیه نبوده و گاهی هم مطلع‌ها و مصرع‌های دوگانه در این کتاب به چشم می‌خورد.

همچنین در کار ما از نظر رسم الخط و زیر نویس‌ها هم نواقصی وجود دارد که ممکن است مورد پسند بزرگان ادب و ظریف اندیشان نباشد.

امید است آن بزرگواران به کار حقیر به دیده‌ی اغماض و بزرگواری بنگرند. در هر حال حقیر آنچه توانستم تهیه و تقدیم دوستداران فرهنگ و ادب نمودم. چه خوب است دیگران هم در کمال آن همت گمارند.

در خاتمه از دوست عزیزم آقای محمدرضا سهرابی نژاد - شاعر - برای بازخوانی و اظهار نظر درباره‌ی این کتاب سپاسگزارم.

لازم است خوانندگان عزیز بدانند که این کتاب از چند نسخه خطی فراهم آمده که بعضی از ابیات آن ناخوانا بوده که ناچار جای آن ابیات را نقطه چین کردیم و در زیر نویس تذکر داده‌ایم ممکن است هنوز اشعاری باشد که از دسترس ما دور مانده باشد، انشاء الله آیندگان بتوانند این نواقص را برطرف نمایند.

تهران ۱۳۸۵

مدیر انتشارات «ما»

احمد کرمی